

## ساختار کتاب

کتاب شب امتحان عربی (۱) دهم انسانی از ۴ قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

۱- **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:  
**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده:** آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. برای این آزمون‌ها در کنار سؤالات، نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کنند.

**ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده:** آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمون‌ها باشد که معلمان از شما خواهد گرفت.  
 ۲- **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند. در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

**ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده:** آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد.

۳- **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

۴- **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند. در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی زبان قرآن (۱) نیاز دارید، تنها در ۲۰ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!



## فهرست

### بازم‌بندی درس عربی زبان قرآن (۱) دهم انسانی

مهارت‌های زبانی	نوبت اول	نوبت دوم
مهارت واژه‌شناسی	۲ نمره	۲ نمره
مهارت ترجمه به فارسی	۷ نمره	۷ نمره
مهارت شناخت و کاربرد قواعد	۷/۵ نمره	۷/۵ نمره
مهارت درک و فهم	۲ نمره	۲ نمره
مهارت مکالمه	۱/۵ نمره	۱/۵ نمره
جمع	۲۰ نمره	۲۰ نمره

نوبت	آزمون	پاسخ‌نامه
اول	۳	۲۷
اول	۵	۲۸
اول	۷	۲۹
اول	۹	۳۱
دوم	۱۱	۳۲
دوم	۱۳	۳۳
دوم	۱۵	۳۴
دوم	۱۷	۳۶
دوم	۱۹	۳۷
دوم	۲۱	۳۸
دوم	۲۳	۴۰
دوم	۲۵	۴۱

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۱)
نمره	نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم			آزمون شماره ۱
<b>درس اول</b>				
۰/۲۵	برای پاسخگویی درست به این نوع پرسش‌ها باید تک‌واژه‌هایی که بعد از متن هر درس آمده را به خوبی بدانید.	انتخب الصَّحیح فی التَّرجمَة للكلمات التَّالیة: أكلت الفطورَ فی المَطعم. (ناهار - شام - صبحانه)		۱
۱	دانستن مترادف، متضاد، مفرد و جمع اسم‌هایی که در هر درس آمده به شما کمک می‌کند و دایره لغات شما را افزایش می‌دهد.	عین ما طَلَبَ منك. الف) تَضَرَّة (بالفارسیة): <input type="checkbox"/> زیبا <input type="checkbox"/> تر و تازه ب) مُجَدِّ (المترادف): <input type="checkbox"/> مُجتهد <input type="checkbox"/> أجداد ج) رَحِیصَة (المتضاد): <input type="checkbox"/> حَفِیفة <input type="checkbox"/> غالیة د) دُرُّ (الجمع): <input type="checkbox"/> دُرَّات <input type="checkbox"/> دُرَّر		۲
۱	سعی کنید واژه به واژه در ذهن خود ترجمه کنید و بعد از آن یک جمله روان با سافت زبانی فارسی بنویسید و فعل را در پایان جمله بیاورید.	للتَّرجمة: الف) ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ ب) وَ زَانَتْهُ بِأَنْجَمٍ / كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ		۳
۰/۱۵		عین الصَّحیح و الخطأ حسب الحقیقة و الواقع: الف) الأعداد الأَصْلِیَّة هی: واحد، اثنان، ثلاثة، أربعة، خمسة ... ب) الأعداد التَّرتیبیَّة هی: الأول، الثانی، الثالث، الأربع، الأ خمس ...		۴
<b>درس دوم</b>				
۰/۷۵		انتخب الصَّحیح فی التَّرجمَة للكلمات التَّالیة: الف) هو یحافظُ عَلَی الهدوءِ فی الضَّف. (راهنمایی - آرامش - سکوت) ب) مِن أیِّ مَدینةٍ أنت؟ (چرا - چگونه - کدام) ج) وَقَفَّت أَمَامَ بابِ المُنظَّمة. (سازمان - راهرو - ایستگاه)		۵
۱		للتَّرجمة: الف) «إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ البِقَاعِ وَ البَهَائِمِ» ب) حَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدُ حَمْسَةٍ وَ عَشْرَینِ يُسَاوِی مِئَةً.		۶
۰/۱۵	باید ترجمه فعل را بدانید تا بتوانید لازم و متعدی آن را تشخیص دهید.	عین الفعل اللّازم و المتعدی: الف) جاءَ ..... / قامَ .....		۷
۰/۱۵	در آوردن هفت، به تعداد و جنسیت کلمه دقت کنید.	عین العدد الصَّحیح للفراغ: الف) کتابانِ ..... . (اثنین - اثنان) ب) المدرسَةُ ..... . (العاشرُ - العاشرةُ)		۸
۱	هماهنگی ۱۳ ضمیر با ۱۳ فعل اهمیت دارد.	ضَع فی الفراغ ضمیراً مناسباً: الف) ..... ما وَضَعُوا. (هم - هی - هو) ب) ..... ما عَلِمْنَا. (أنا - نحنُ - أنتِ) ج) ..... لا تَنسَى. (نحنُ - أنتم - هی) د) ..... سَتَنْزِلُونَ. (نحنُ - أنتنَّ - أنتم)		۹
۱		أَكْتُبْ فی الفراغ کلمةً مناسبَةً حَسَبَ المعنى و القواعد: الف) ..... واحدةٌ فی الحدیقة. (تلمیذة - تلمیذة - تلمیذة) ب) أذهبْ إلى العُرفة ..... . (الرَّابِعة - الرَّابِع - أربَع) ج) الجارُّ ..... بما حَدَّثَ فی الشَّارع. (حَبَّرت - أُحَبِّرُونَا - أُحَبِّرَتِ) د) رأیتُ فی الفُنْدِیقِ ..... فارغةً. (حُجْرَة - حُجْرَة - حُجْرَات)		۱۰
<b>درس سوم</b>				
۰/۲۵		أَكْتُبْ ترجمة ما أُشیرَ إليه بخط: كَسَرَ الطُّفْلُ الرُّجَاجَ.		۱۱
۱/۵		للتَّرجمة: الف) ﴿وَ يُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقاً﴾ ب) الأسماكُ لیست مُتعلِّقَةٌ بالمیاهِ المُجاوِرَة بل بمیاهِ المُحیطِ الأطلسیّ. ج) أَدَبَ الوالدُ الطُّفْلَ فَتَأَدَّبَ.		۱۲

ردیف	آزمون شماره ۱	نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم	شماره
	عربی زبان قرآن (۱)	رشته: ادبیات و علوم انسانی	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه
	kheilisabz.com		
۱۳	<p>انتخب الترجمة الصحيحة:</p> <p>(الف) ﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾</p> <p>(۱) کسانی به دیگران ستم کردند خواهند فهمید.</p> <p>(ب) المواطن من يعيش معك في وطنك و هو من أهاليه.</p> <p>(۱) هموطن کسی است که با تو در کشورت زندگی می کند و او از اهالی آن است.</p> <p>(۲) شهروند کسی است که با تو و همراه تو در شهر تو زندگی می کند و ساکن آن جا است.</p> <p>(۳) پشتیبان تو کسی است که تو را در کشورت کمک می کند و شایستگی های فراوانی دارد.</p>	<p>روی ترجمه فعل ها و کلمات مکث کنید.</p> <p>(۳) به زودی خواهند شناخت ستمگران را</p> <p>(۲) کسانی که ستم نمودند خواهند دانست.</p>	۰/۵
۱۴	<p>اكتُبْ نوع الأفعال التي تحتها خطٌ و صبغتها:</p> <p>(الف) هل تُصدِّقِين أن ترين في يومٍ من الأيام أسماكاً تتساقطُ مِنَ السَّمَاءِ.</p> <p>(ب) حَيَّرتْ هذه الظاهرةُ النَّاسَ سَنَوَاتٍ فما وجدوا لها جواباً.</p>	<p>نوع فعل یعنی شناخت زمان فعل:</p> <p>ماضی مثبت، ماضی منقذ، مضارع، امر، نفی و ....</p>	۱
۱۵	<p>اقرأ النَّصَّ ثُمَّ أجب عن الأسئلة:</p> <p>«يحدثُ» مطرٌ شديداً لمدةً ساعتين أو أكثر ثم تُصبحُ الأرضُ مغروشةً بالأسماكِ فيأخذها النَّاسُ لطيخها و تناولها. حاول العلماءُ معرفةَ سِرِّ تلكِ الظَّاهرةِ العجيبةِ، فأرسلوا فريقاً لزيارة المكانِ و التعرفِ على الأسماكِ التي تتساقطُ على الأرضِ.</p> <p>(الف) ماذا يلاحظُ النَّاسُ؟</p> <p>(ب) كم مرةً تحدثُ الظَّاهرةُ؟</p> <p>(ج) ماذا يأخذُ النَّاسُ؟</p> <p>(د) ما هي مُحاولَةُ العلماءِ؟</p> <p>(هـ) عيِّن الأفعالَ المزيدةَ في النَّصِّ و اكتبْ بابها.</p>	<p>اول سوال های بعد از متن را بخوانید بعد بروید سرخ متن و جمله ای که تشابه کلمات دارد.</p>	۲/۵
<b>درس چهارم</b>			
۱۶	<p>اكتُبْ ترجمة ما أشير إليه بخط:</p> <p>(الف) تعاشروا كالإخوان و تعاملوا كالأجانب.</p> <p>(ب) تضارب سعيدي و مسعودي.</p> <p>(ج) يتجلى اتحاد الأمة الإسلامية.</p>		۰/۷۵
۱۷	<p>للترجمة:</p> <p>(الف) ﴿إن هذه أمتكم أمة واحدة و أنا ربكم فاعبدون﴾</p> <p>(ب) «الضِّيافَةُ ثلاثَةُ أيامٍ فما زاد فهو صدقة».</p> <p>(ج) من رأى منكم أحداً يدعو إلى التفرقة فهو عميلُ العدو.</p>		۱/۵
۱۸	<p>كَمِّل الترجمة:</p> <p>(الف) عَلَى الطَّيْفِ أن يتحوَّلَ بعدَ ثلاثَةِ أيامٍ.</p> <p>(ب) لا تعبُدوا من دونِ اللهِ أحداً.</p> <p>(ج) الزُّرافَةُ لا تنامُ في اليومِ الواحدِ إلا أقلَّ من ثلاثين دقيقةً.</p> <p>(د) المُديرُ تَصَحَّنَا و نَدَمْنَا على عَمَلِنَا القَبِيحِ.</p>	<p>کلماتی از جمله را که ترجمه نشده، تشفیهش دهید.</p> <p>«مهمان باید ..... بعد از سه .....»</p> <p>«به جز خدا ..... را .....»</p> <p>«زرافه در یک روز تنها ..... از سی دقیقه می خوابد.»</p> <p>«مدیر ما را ..... و ما را به خاطر کار ..... پشیمان کرد.»</p>	۲
۱۹	<p>صَعَّ في الفراغِ فعلاً مناسباً:</p> <p>(الف) الرُّملاءُ ..... (عارفتم - عرفتن - تعارفوا)</p> <p>(ج) نحنُ ..... (لا يتعارفون - ما تعارفنا - ما تعارف)</p>	<p>به هماهنگی نهاد و گزاره (مبتدا و فعل) توبه کنید.</p> <p>(ب) الطَّالِبانِ ..... (يتعارفون - يتعارفان - تعارف)</p> <p>(د) أنتنَّ ..... (تعارفتن - تعرفون - تعارفتم)</p>	۱
۲۰	<p>اكتُبْ وزن الكلمات التالية و حروفها الأصلية:</p> <p>(الف) أدخل، يُدخِلُ، إدخال</p> <p>(ب) ضَرَبُوا، اِضْرَبْ، ضَرَبَ</p>		۰/۵
۲۱	<p>صَعَّ في المربَّعِ العدد المناسب. (جملة واحدة زائدة)</p> <p>(۱) الفارُعُ <input type="checkbox"/> قِطعةٌ مِنَ الأرضِ</p> <p>(۲) البُقعةُ <input type="checkbox"/> إسمٌ إشارةٌ لغيرِ القريبِ.</p> <p>(۳) المُحيطُ <input type="checkbox"/> أكبرُ مِنَ البحرِ كثرةً</p> <p>(۴) ذاك <input type="checkbox"/> ليسَ في داخله شيءٌ</p> <p><input type="checkbox"/> في ذلك الوقتِ</p>	<p>اول جمله ها را بخوانید بعد بروید به سرخ کلمات مناسب آن ها.</p>	۱
۲۰	موفق باشید	جمع نمرات	

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۱)
ردیف	آزمون شماره ۹			نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم
۱	<p><b>مهارت واژه‌شناسی</b></p> <p>۱. أَكْتُبُ ترجمة ما أشير إليه بخط:          الف) يَصْعَدُ النَّقْطُ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبُوبِ.          ج) مَا الْمُتَقَوِّدُ بِالْمَرَاتِقِ الْعَامَّةِ؟          ب) رَأَيْتُ الطَّيَّارَ وَاقِفًا جَنْبَ الطَّائِرَةِ.          د) أَلَكَلْبُ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ عَلَى بُعْدِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا.</p>			
۲	<p>۲. عَيْنَ مَا طَلَبَ مِنْكَ:          الف) حَمِيمٍ (بِالْفَارْسِيَّةِ):          ب) حُجْرَةٌ (الْمُرَادِفُ):          ج) صِغَارٍ (الْمُتَضَادُّ):          د) عَمِيلٍ (الْجَمْعُ):</p> <p><input type="checkbox"/> صميمي      <input type="checkbox"/> برتلاش  <input type="checkbox"/> غُرْفَةٌ      <input type="checkbox"/> نافذة  <input type="checkbox"/> أكبر      <input type="checkbox"/> كِبَار  <input type="checkbox"/> عميلات      <input type="checkbox"/> عملاء</p>			
۳	<p>۳. اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ لِلْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:          الف) أَيْنَ تَقَعُ قَلْعَةُ الْوَالِي؟ (كجا - چه وقت - چگونه)          ج) أَلْوَلُّونَ الْأَبْيَضُ لَوْنُ الْهُدُودِ. (سفید - سیاه - زرد)          ب) لَا يُصَدِّقُ الْعَاقِلُ قَوْلَ الَّذِي يَكْذِبُ كَثِيرًا. (دروغ می گوید - تکذیب می کند - دروغ نمی گوید)          د) فَحَصَّ الطَّيِّبُ أَسْنَانَ الطُّفْلِ. (معالجه کرد - نسخه نوشت - معاینه کرد)</p>			
۴	<p><b>مهارت ترجمه به فارسی</b></p> <p>۴. لِلتَّرْجُمَةِ:          الف) ﴿مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ﴾          ج) ﴿إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا﴾          هـ) «إِذَا قَدَرْتُ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ»          ز) يَتَسَّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ.          ط) لِلْغُرَابِ صَوْتٌ يُحَدِّثُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَدِعَ سَرِيعًا عَنْ مَنْطِقَةِ الْخَطْرِ.</p> <p>ب) ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾          د) «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ»          و) اِثْنَانِ وَخَمْسُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي سِتَّةً وَعِشْرِينَ.          ح) إِلَهِي قَدْ انْقَطَعَ رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ وَأَنْتَ رَجَائِي.          ي) قُبَّةُ سُلْطَانِيَّةٍ فِي زَنْجَانٍ وَ مُتَحَفٌ الثَّرَائِ الرِّيفِيِّ قُرْبَ رِشْتِ.</p>			
۵	<p>۵. كَمِّلِ التَّرْجُمَةَ:          الف) عَلَيكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورٌ الْقَلْبِ.          ب) ﴿وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾          ج) ﴿وَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَ هُمْ يُخْلَقُونَ﴾          د) ﴿وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ ائْتِمُّوا بِمَا كُنتُمْ تَمْلِكُونَ﴾</p> <p>«تو باید .....؛ چرا که .....»          «ما آن‌ها را ..... زیرا آن‌ها .....»          «و کسانی که غیر خدا را می خوانند ..... را نمی آفرینند در حالی که .....»          «و زمانی که موسی به قوم خود ..... ای قوم من! قطعاً شما به ..... ستم کردید.»</p>			
۶	<p>۶. اِنتَخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ:          الف) أَلْيَوْمِ السَّادِسُ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْحَمِيرِ.          (۱) روز ششم از روزهای هفته روز پنجشنبه است.          ب) سَافَرْنَا إِلَى قَرْيَةٍ، لِأَنَّنا بِحَاجَةٍ إِلَى الْهُدُودِ.          (۲) به روستایی مسافرت کردیم تا به آرامش کامل برسیم.</p> <p>(۲) روز ششم هر هفته روز تعطیل است.          (۲) به روستایی مسافرت کردیم زیرا ما به آرامش نیاز داریم.</p>			
۷	<p><b>مهارت شناخت و کاربرد قواعد</b></p> <p>۷. عَيْنَ الْفَاعِلِ وَ نَائِبِ الْفَاعِلِ وَ ادُّكُرْ إِعْرَابَهُمَا:          الف) تَنْقُلُ النَّاقِلَاتُ مُشْتَقَّاتِ النَّقْطِ.          ب) يُنْقَلُ النَّقْطُ مِنَ الْأَبَارِ إِلَى الْمَصَافِي.</p>			
۸	<p>۸. عَيْنَ الْأَسْمِ الْمَجْرُورِ وَ ادُّكُرْ عِلْمَهُ الْجَرَّ:          الف) حَسُنُ السُّؤَالِ يَصِفُ الْعِلْمَ.          ب) مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.</p>			
۹	<p>۹. عَيْنَ الْكَلِمَاتِ الْمَعْرَبَةِ فِي الْعِبَارَةِ:          ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾</p>			
۱۰	<p>۱۰. عَيْنَ الْكَلِمَاتِ الْمَبْنِيَّةِ:          الف) هُوَ - هَذَا - قُلُوبٌ - رَجُلٌ          ب) مَا - قَلَمٌ - مِنْ - يَدٍ</p>			

شعار	kheilisabz.com	مدت آزمون: ٩٠ دقيقة	رشته: ادبيات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (١)
نمره	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم		<b>آزمون شماره ٩</b>	
١	ب) كَانَ لِصَدِيقِي مَرَضٌ جَلْدِي		١١ عَيْنِ الصَّفَةِ وَ الْمِضَافِ إِلَيْهِ ثُمَّ أَدْكُرُ إِعْرَابَهُمَا: الف) أَنْظِرْ لِنَلِّكَ الشَّجَرَةَ / ذَاتِ الْعُصُونِ النَّصْرَةَ	
١	ب) أَلْعَلِمُ صَيْدًا وَ الْكِتَابَةَ قَيْدًا.		١٢ أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيِيَّةَ وَ أَدْكُرْ عِلْمَ إِعْرَابِهَا: الف) الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ.	
٠/٥	ب) أَلْعَرَابُ يَعِيشُ عِشْرِينَ ..... إِلَى ثَلَاثِينَ. (سنة - سنه - سنوات)		١٣ أَكْتُبُ فِي الْفِرَاقِ عِدَدًا أَوْ مَعْدُودًا مَنَاسِبًا: الف) طُولُ قَامَةِ الزَّرَاقَةِ ..... أَمْتَارٍ. (سَتْ - سَتْ - سَتْ)	
٠/٥	ب) ﴿ لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوِّكُمْ أَوْلِيَاءَ ﴾		١٤ عَيْنِ الْفِعْلِ اللَّازِمِ وَ الْمُتَعَدِّي فِي الْعِبَارَةِ: الف) تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ.	
١	ب) الْعَالَمُ بِلَا ..... كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ. (عمل - عملاً - عمل)		١٥ أَكْتُبُ فِي الْفِرَاقِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً حَسَبِ الْمَعْنَى وَ الْقَوَاعِدِ: الف) ﴿ وَ يَقُولُ ..... يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرَابًا ﴾ (المؤمن - الكافر - المتقي) ج) عَلَيكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَاتَهُ نَوْزٌ ..... (القلب - القلب - القلوب)	
١	ب) هُوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِّنْ جَوَاسِيسِ الْغَابِيَةِ.		١٦ عَيْنِ الْمَبْتَدَأِ وَ الْخَبَرِ وَ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ فِي الْعِبَارَاتِ الثَّلَاثِيَّةِ وَ أَدْكُرْ عِلْمَ إِعْرَابِهَا: الف) يَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِمَ.	
٢/٥	ب) مَاذَا تَكْشِفُ الدَّلَافِينُ؟ د) هَلِ الدَّلَافِينُ حَيَوَانٌ أَيْلٌ؟		١٧ <b>مهارت درک و فهم</b> إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: الدَّلَافِينُ حَيَوَانٌ ذَكِي يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! يَسْتَطِيعُ أَنْ يُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانِ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ مَكَانِ عَرْقِ سَفِينَةٍ. تُؤَدِّي الدَّلَافِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْخَرْبِ وَ السَّلْمِ وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ مِنْ عَجَائِبٍ وَ أَسْرَارٍ وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى إِكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجَمُّعِ الْأَسْمَاكِ. هِيَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً وَ تَتَكَلَّمُ مَعًا. الف) إِلَى أَيْنَ يُرْشِدُنَا الدَّلَافِينُ؟ ج) عَلَامٌ (على + ما) تُسَاعِدُ الدَّلَافِينُ الْإِنْسَانَ؟ هـ) مَا هِيَ الْحُرُوفُ الْأَصْلِيَّةُ لِلْأَفْعَالِ: يُحِبُّ، يُرْشِدُ، تُؤَدِّي، تَتَكَلَّمُ	
٢٠	جمع نمرات		موفق باشيد	

# پاسخ‌نامه تشریحی

## آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- د) چون فعل به صورت جمع مذکر مخاطب آمده (ستزنلون)، ضمیر منفصل مناسب آن به صورت جمع مذکر مخاطب می‌آید: **أنتم ستزنلون** (شما پایین نخواهید آمد)
- نکته:** به هماهنگی حرفی میان ضمیرهای منفصل و متصل توجه کنید:
- «الف» در «هُمَا» و «فَعَلَا» و «يَفْعَلَانِ» «نَ» در «هِنَّ» و «فَعَلْنَ» و «يَفْعَلْنَ»  
 «ت» در «أَنْتِ» و «فَعَلْتِ» و «تَفْعَلُ» «تُما» در «أَنْتِما» و «فَعَلْتِما»  
 «م» در «أَنْتُمْ» و «فَعَلْتُمْ» «بَ» در «أَنْتِ» و «فَعَلْتِ»  
 «نَ» در «أَنْتِنَّ» و «فَعَلْتِنَّ» «أُ» در «أنا» و «أفعل»  
 «ن» در «نَحْنُ» و «فَعَلْنَا» و «نَفْعَلُ»
- ۱۰- الف) تلمیذة (ب) الزابعية (ج) أخبرني (د) حجرة
- بررسی:** الف) با توجه به کلمه بعد از جای خالی، «واحدة: یک»، باید در جای خالی اسمی بیاید که هم مفرد باشد و هم اعراب آن مانند «واحدة» مرفوع (ت) باشد ← تلمیذة
- توجه:** یک دانش‌آموز (دختر) در باغ است.
- ب) با توجه به کلمه پیش از جای خالی «الغرفة: اتاق» باید در جای خالی اسمی بیاید که هم مؤنث باشد و هم مجرور ← الزابعية
- توجه:** به اتاق چهارم می‌روم.
- ج) با توجه به واژه «الجوار: همسایه» که مفرد و مذکر است، فعل نیز مفرد و مذکر می‌آید ← أخبرني
- توجه:** همسایه از آن‌چه در خیابان اتفاق افتاد، مرا باخبر کرد.
- د) با توجه به واژه «فارغة» که مفرد و مؤنث است و نقش صفت را دارد در جای خالی نیز موصوف به صورت مفرد و مؤنث می‌آید ← حجرة
- توجه:** در هتل، یک اتاق خالی را دیدم.
- ۱۱- کودک شیشه را شکست.
- ۱۲- الف) او (خداوند) برای شما از آسمان رزقی نازل می‌کند.
- ب) ماهی‌ها متعلق به آب‌های مجاور نیستند بلکه به آب‌های اقیانوس اطلس تعلق دارند.
- ج) پدر، کودک را ادب کرد و او ادب شد.
- بررسی:** الف) يُتْرَلُ فعل مضارع ثلاثي مزيد در باب تفعیل و معلوم و متعدی، فاعل آن ضمیر مستتر «هو»، نازل می‌کند / رزقا: مفعول، رزق و روزی
- ب) الأسماء: ماهی‌ها / لیست: نیست / المياه المجاورة: ترکیب وصفی، آب‌های مجاور
- نکته:** اگر اسمی جمع غیرانسان باشد آن اسم در حکم یک اسم مفرد مؤنث تلقی می‌شود، در نتیجه فعل، صفت و ... برای آن مفرد مؤنث می‌آید:
- المياه المجاور (نادرست) ← المياه المجاورة (درست)  
 جمع مکرر مفرد مکرر جمع مکرر مفرد مؤنث غیرانسان
- المحيط الأطلسي: ترکیب وصفی، اقیانوس اطلس
- ج) أدب: فعل ماضی در باب تفعیل، معلوم و متعدی، ادب کرد / الوالد: فاعل، پدر / الطفل: مفعول، کودک را / تأدب: فعل ماضی در باب تفعیل، معلوم و لازم، ادب شد
- ۱۳- الف) ۲ (ب) ۱
- بررسی:** الف) سيعلم: فعل مستقبل، مفرد مذکر غایب، خواهد دانست، خواهند دانست (به اعتبار این که فاعل آن (الذین) جمع است / الذین: فاعل، کسانی که / ظلّموا: فعل ماضی و فاعل آن ضمیر بارز (واو)، ستم نمودند.
- ب) يعيش: فعل مضارع، زندگی می‌کند / معك: با تو / في وطنك: در کشورت
- ۱۴- الف) تُصَدِّقِينَ ← فعل مضارع / مفرد مؤنث مخاطب / در باب تفعیل
- تَسَاقَطُ ← فعل مضارع / مفرد مؤنث غایب در باب تفاعل
- ب) حَبِرتُ ← فعل ماضی / مفرد مؤنث غایب / در باب تفعیل
- ما وَجَدُوا ← فعل ماضی / جمع مذکر غایب

- ۱- صبحانه را در رستوران خوردم.
- ۲- الف) نَصْرَة: تر و تازه (ب) مُجِدَّ: مجتهد (کوشا) (ج) رَخِيصَة ≠ غَالِيَة (ارزان ≠ گران) (د) دَرَّرَ: جمع آن ← دَرَّرَ (مرواریدها)
- ۳- الف) ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و (در آن‌ها) تاریکی‌ها و روشنایی را قرار داد.
- ب) و او (خداوند) آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده آراست.
- بررسی:** الف) الحمد: حمد و ستایش / حَلَقَ: فعل ماضی، ثلاثی مجرد، معلوم و متعدی، ضمیر مستتر «هو» فاعل آن، آفرید / السماوات: مفعول، آسمان‌ها را / جَعَلَ: فعل ماضی، ثلاثی مجرد، معلوم و متعدی، فاعل آن ضمیر مستتر «هو»، قرار داد / الظلمات: مفعول، تاریکی‌ها را / التور: معطوف به «الظلمات»، روشنایی
- ب) زان: فعل ثلاثی مجرد، معلوم و متعدی، فاعل آن «هو» مستتر، آراست، زینت داد / ه: مفعول، آن را / بأنجم: با ستارگانی / الدَّرَر المنتشرة: ترکیب وصفی (موصوف، جمع مکسر غیرانسان + صفت به صورت مفرد مؤنث)، مرواریدهای پراکنده
- ۴- الف) درست (ب) نادرست
- بررسی:** الف) اعداد اصلی به ترتیب این‌گونه است: واحد (یک)، اثنان (دو)، ثلاثة (سه)، أربعة (چهار)، خمسة (پنج) ... (درست)
- ب) اعداد ترتیبی به ترتیب این‌گونه است: الأول (اول)، الثاني (دوم)، الثالث (سوم)، الرابع (چهارم)، الخامس (پنجم) ...
- ۵- الف) او از (حفظ) آرامش در کلاس مراقبت می‌کند.
- ب) تو اهل کدام شهری؟
- ج) تو روبه‌روی در سازمان ایستادی.
- ۶- الف) قطعاً شما مسئول هستید حتی در مورد مکان‌ها و چارپایان.
- ب) هفتاد و پنج به اضافه بیست و پنج برابر است با صد.
- بررسی:** الف) إن: قطعاً / كُمْ: شما / مسؤولون: مسئول هستید / عن البقاع: در مورد مکان‌ها / البهائم: معطوف، چارپایان
- ب) خمسة و سبعون: مبتدا، عدد اصلی به صورت معطوف، هفتاد و پنج / زائد: خبر، به اضافه / خمسة و عشرين: عدد اصلی به صورت معطوف، بیست و پنج / يساوي: فعل مضارع در باب مفاعلة، فاعل آن «هو» مستتر / منه: مفعول، صد
- ۷- الف) جاء: آمد، لازم / قام: ایستاد، لازم
- ب) أُرْسِلْنَا: فرستادیم، متعدی / أُنزِلَ: فرو فرستاد، متعدی
- ۸- الف) کتابانِ اِثنانِ (دو کتاب) (ب) المدرسة العاشرة (مدرسه دهم)
- بررسی:** الف) چون «کتابان» به صورت مثنی و با «ان» آمده است عدد آن نیز به عنوان صفت آن با «ان» می‌آید ← اِثنان
- ب) چون «المدرسة» اسم مفرد مؤنث است صفت آن نیز که عدد ترتیبی است به صورت مؤنث می‌آید ← العاشرة
- ۹- الف) هُم (ب) نحن (ج) نحن (د) أنتم
- بررسی:** الف) چون فعل به صورت جمع مذکر غایب آمده (وضعا)، ضمیر منفصل مناسب آن به صورت جمع مذکر غایب می‌آید: هُم ما وضعا (آن‌ها قرار ندادند).
- ب) چون فعل به صورت متکلم مع‌الغیر آمده (ما علمنا)، ضمیر منفصل مناسب آن به صورت متکلم مع‌الغیر می‌آید: نحن ما علمنا (ما ندانستیم).
- ج) چون فعل به صورت متکلم مع‌الغیر آمده (لا ننسى)، ضمیر منفصل مناسب آن به صورت متکلم مع‌الغیر می‌آید: نحن لا ننسى (ما فراموش نمی‌کنیم)

۳) المحيط / أكبر من البحر كثرة (اقیانوس، از دریا بسیار بزرگ‌تر است)  
 ۴) ذاك / اسم إشارة لغير القريب (آن، اسم اشاره برای غیر نزدیک است)  
 بر این اساس، عبارت «في ذلك الوقت» در آن زمان» اضافی است.

۱۵- الف) مردم چه چیزی را ملاحظه می‌کنند؟ مردم ابر سیاه بزرگی و باد نیرومندی و باران شدیدی را مشاهده می‌کنند. (يلاحظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَ رِيحاً قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا.)  
 ب) پدیده چند بار اتفاق می‌افتد؟ این پدیده گاه‌گاهی دو بار در سال اتفاق می‌افتد.  
 (تحدثت هذه الظاهرة مرتين في السنة أحياناً.)  
 ج) مردم چه چیز می‌گیرند؟ مردم ماهی‌ها را می‌گیرند برای پختن و میل کردنشان.  
 (فياخذ الناس الأسماك لطبخها و تناولها.)  
 د) تلاش دانشمندان چیست؟ تلاش دانشمندان شناخت راز آن پدیده عجیب است.  
 (حاول العلماء معرفة سر تلك الظاهرة العجيبة.)

ه) فعل‌های مزید متن و باب آن‌ها:

يلاحظُ ← فعل مضارع در باب مفاعلة (لاخط، يلخط، ملاحظة)

تصيحُ ← فعل مضارع در باب إفعال (أصيح، يصيح، إصباح)

حاولَ ← فعل ماضی در باب مفاعلة (حاول، يحاول، محاولة)

أرسلوا ← فعل ماضی در باب إفعال (أرسل، يرسل، إرسال)

تساقطَ ← فعل مضارع در باب تفاعل (تساقط، يتساقط، تساقط)

۱۶- الف) مانند برادران معاشرت کنید و مانند بیگانگان معامله کنید.

ب) سعید با مسعود زد و خورد کرد.

ج) وحدت امت اسلامی جلوه‌گر می‌شود.

۱۷- الف) قطعاً این امت شما امت واحدی است و من پروردگار شما هستم، پس مرا بپرسید.  
 ب) مهمانی سه روز است، پس هر چه (به آن) اضافه شود آن (نوعی) صدقه (دادن) می‌شود.  
 ج) هر کس از شما کسی را ببیند که به تفرقه و اختلاف فرامی‌خواند پس او مزدور دشمن است.  
**نیرسی:** الف) أمتکم: ترکیب اضافی، امت شما / أمة واحدة: ترکیب وصفی، یک امت.

أنا: من / ربکم: ترکیب اضافی، پروردگار شما / أعبدوا: فعل امر

جمع مذکر مخاطب، بپرسید / ن: در اصل «نی» بوده است یعنی نون وقایه «ن» و ضمیر «ی» که نقش مفعول را دارد. به معنی «مرا» و ضمیر «ی» حذف شده و کسره «ن» بیانگر حذف نون است چرا که کسره با حرف «ی» هماهنگی دارد و کسره یادآور «ی» است:

فاعبدوني ← فاعبدون

ب) الصَّيْفَةُ: مهمانی / ثلاثة أيام: مضاف و مضاف‌لیه، سه روز / ما: اسم شرط، هر چه / زاد: فعل ماضی ثلاثی مجرد، فعل شرط، اضافه شود

ج) مَنْ: اسم شرط، هر کس / رأى: فعل ماضی، فعل شرط، ببیند / أحداً: مفعول، کسی را / يذعوا: فعل مضارع و فاعل آن «هو» مستتر، دعوت می‌کند / إلى التفرقة: به تفرقه و اختلاف / عميل العدو: ترکیب اضافی، مزدور دشمن

۱۸- الف) مهمان باید جابه‌جا شود (برود) بعد از سه روز.

ب) به جز خدا کسی را نپرسید.

ج) زرافه در یک روز تنها کم‌تر از سی دقیقه می‌خوابد.

د) مدیر ما را نصیحت کرد و ما را به خاطر کار زشتمان پشیمان کرد.

۱۹- الف) الرُّمَلَاءُ تعارفوا. ب) الطَّالِبَانِ يتعارفان.

ج) نحنُ ما تعارفنا. د) أنتن تعارفتن.

**نیرسی:** الف) الرُّمَلَاءُ (هم‌کلاسی‌ها)، جمع مکسر و مذکر است و با فعل جمع مذکر غایب «تعارفوا» هماهنگی دارد: هم‌کلاسی‌ها همدیگر را شناختند.

ب) الطَّالِبَانِ (دانش‌آموزان) اسم مثنی است و با فعل مثنای مذکر غایب هماهنگی دارد / «يتعارفان»: دانش‌آموزان همدیگر را می‌شناسند.

ج) نحنُ (ما)، ضمیر متکلم مع‌الغیر است و با فعل متکلم مع‌الغیر «ما تعارفنا» هماهنگی دارد: ما همدیگر را شناختیم.

د) أنتن (شما)، ضمیر جمع مؤنث مخاطب است و با فعل جمع مؤنث مخاطب «تعارفتن» هماهنگی دارد: شما همدیگر را شناختید.

۲۰- الف) وزن کلمات به ترتیب ← أَفْعَلٌ، يُفْعِلُ، إِفْعَالٌ ← حروف اصلی ف ع ل / د خ ل ب) وزن کلمات به ترتیب ← فَعَلُوا، إِفْعِلْ، فَعَلْ ← حروف اصلی: ف ع ل / ض ر ب

۲۱- (۱) الفارغ / ليس في داخله شيء (خالی، چیزی در داخلش نیست)

(۲) البقعة / قطعة من الأرض (مکان، قطعه‌ای از زمین است)

ج) صغاره کبار (کوچک‌ها ≠ بزرگ‌ها)

د) عمیل: جمع آن ← عَمَلَاء (مزدوران)

۳- الف) کجا (ب) دروغ می‌گوید.

ج) سفید (د) معاینه کرد.

**نورسنی:** الف) قلعه‌ی والی کجا واقع است؟ (آین: کجا)

ب) عاقل سخن کسی را که بسیار دروغ می‌گوید باور نمی‌کند. (یکذب: دروغ می‌گوید)

ج) رنگ سفید رنگ آرامش است. (الابیض: سفید)

د) پزشک دندان‌های کودک را معاینه کرد. (فحص: معاینه کرد)

۴- الف) معبودی به‌جز خدا کیست که نوری برای شما بیاورد. آیا گوش نمی‌دهید؟

ب) خداوند سرپرست کسانی است که ایمان آوردند. آن‌ها را از تاریکی‌های (نادانی و ظلم) به سوی روشنایی بیرون می‌آورد.

ج) قطعاً ما امیدواریم که پروردگاران خطاهای ما را ببامرزد.

د) رئیس قوم (گروه) خدمتکار آن‌ها در مسافرت است.

ه) زمانی که بر دشمنان تو اعتماد می‌شوی، پس عفو و گذشت را به عنوان شکر توانایی بر او قرار بده.

و) پنجاه و دو تقسیم بر دو برابر می‌شود با بیست و شش.

ز) دانشمندان از شناخت راز آن پدیده‌ی شگفت ناامید شدند.

ح) معبود! امید من به خلق (مردم) قطع شده است و تو امید من هستی.

ط) کلاغ صدایی دارد که با آن به بقیه‌ی حیوانات هشدار می‌دهد تا این‌که فوری از منطقه خطر دور شوند.

ی) گنبد سلطانیه در زنجان و موزه میراث روستایی نزدیک رشت است.

**نورسنی:** الف) مَنْ: اسم استفهام، خبر مقدم، چه کسی / اَللّهُ: مبتدای مؤخر، معبودی /

غَيْرُ اللّهِ: ترکیب اضافی، غیر خدا، جز خدا / یأتی: فعل مضارع، می‌آید / یأتي بِ: می‌آورد /

كَمْ: ضمیر مفعولی متصل، شما را / ضیاء: نور، روشنایی / أ: حرف استفهام / لا تسمعون:

فعل مضارع منفی، گوش نمی‌دهید.

ب) اللّهُ: مبتدا و مرفوع به ضمه ّ، خداوند / وليّ: خبر و مرفوع به ضمه ّ، سرپرست / وليّ

الَّذین: مضاف و مضاف‌الیه، سرپرست کسانی است که / آمنوا: فعل ماضی، جمع مذکر غایب،

ایمان آوردند / يُخرجُ: فعل مضارع و فاعل آن ضمیر مستتر «هو» / هم: مفعول و منصوب، مبنی،

آن‌ها را / مِنَ الظّلماتِ: جار و مجرور، از تاریکی‌ها / اِلَى النّورِ: جار و مجرور، به سوی نور

ج) اِنّا (در اصل «اِنّا» بوده است): همانا ما / نطمعُ: فعل مضارع متعدی، امیدواریم / اَنْ یغفر:

فعل مضارع التزامی، که ببامرزد / لنا: جار و مجرور، برای ما / رَبُّ: فاعل و مرفوع به ضمه

ّ / ربُّنا: مضاف و مضاف‌الیه، پروردگار ما / خطایا: مفعول و منصوب، خطاهای ما / خطایانا:

ترکیب اضافی، خطاهای ما

د) سیّد: مبتدا و مرفوع به ضمه ّ، رئیس / القوم: مضاف‌الیه و مجرور به کسره ِ / خادِم:

خبر و مرفوع به فتحه َ، خدمتکار / خادمهم: ترکیب اضافی، خدمتگزار آن‌ها

في السّفَر: جار و مجرور، در سفر

ه) اِذا: قید زمانی، زمانی که / قَدَرْتُ: فعل ماضی، توانمند شدم، در این‌جا به دلیل این‌که

بعد از «اِذا» آمده است، مضارع ترجمه می‌شود «توانمند می‌شوی» / علي عدوّك: جار و

مجرور و مضاف‌الیه، بر دشمنان / اِجْعَلْ: فعل امر متعدی که دو مفعول می‌خواهد / العفو:

مفعول اول آن و منصوب به فتحه َ / شکرأ: مفعول دوم آن و منصوب به فتحه َ / للقدرة:

جار و مجرور، به خاطر قدرت / علیه (علی + ه): جار و مجرور، بر او

و) اثنان و خمسون: عدد اصلی، عدد معطوف که هر دو جزء آن مرفوع است به دلیل مبتدا

بودن، «اثنان» مرفوع با علامت الف (ا) و «خمسون» مرفوع با علامت «و»، روی هم ← پنجاه

و دو / تقسیم: صفت و مرفوع به ضمه ّ / علي اثنین: جار و مجرور با علامت «ب»، بر دو /

یساوی: فعل و فاعل آن ضمیر «هو» مستتر، نقش خبر را دارد / ستّه و عشرين: نقش مفعول

را دارد و منصوب به فتحه َ در جزء اول و «ب» در جزء دوم، بیست و شش

ز) یسّ: فعل ماضی، ناامید شدند (به اعتبار این‌که فاعل در «العلماء» جمع است، فعل جمع

ترجمه شده است) / العلماء: فاعل و مرفوع به ضمه ّ، دانشمندان / من معرفة: جار و مجرور، از

شناخت / سرّ تلك: مضاف و مضاف‌الیه، راز آن / الظّاهرة العجیبة: موصوف و صفت، پدیده‌ی عجیب

### آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

۱- الف) نفت به وسیله لوله بالا می‌رود.

ب) خلبان را ایستاده در کنار هواپیما دیدم.

ج) مقصود از تأسیسات عمومی چیست؟

د) سگ می‌تواند صدای ساعت را از مسافت چهل قدمی بشنود.

۲- الف) حمیم: گرم و صمیمی

ب) حُجْرَة ≠ عُرْفَة (اتاق)



ح) إلهي: مضاف و مضاف‌الیه، معبودا / قَدْ انْتَقَعَ: فعل ماضی نقلی، قطع شده است / رجاء: فاعل و مرفوع / ی: مضاف‌الیه و مجرور / رجائي: ترکیب اضافی، امیدم / عن الخلق: جار و مجرور، از خلق / أنت: مبتدا و مرفوع، مبنی، تو / رجاء: خبر و مرفوع / رجائي: مضاف و مضاف‌الیه ط) للغراب: جار و مجرور، خبر مقدم، کلاغ ... دارد، برای کلاغ ... است / صوت: مبتدای مؤخر، صدایی / یَحْدَرُ: فعل متعدی و فاعل آن ضمیر مستتر «هو»، هشدار می‌دهد / به: جار و مجرور، با آن / بقیته: مفعول و منصوب به فتحه / الحيوانات: مضاف‌الیه و مجرور به کسره / حتی: تبتعد: فعل مضارع، تا دور شوند / سریعاً: قید حالت، سریع / عن منطقة: جار و مجرور، از منطقه / منطقة الخطر: ترکیب اضافی، منطقه خطر ی) قُبْتُ: مبتدا و مرفوع با ضمه ُ، گنبد / قُبَّة سلطانیة: ترکیب اضافی، گنبد سلطانیه / فی زجان: جار و مجرور، در زنجان / متحف التراث: ترکیب اضافی، موزه میراث / التراث الزیفي: ترکیب وصفی، میراث روستایی / قرب رشت: ترکیب اضافی، نزدیک رشت ۵- الف) تو باید به یاد خدا باشی؛ چرا که آن روشنایی قلب است. ب) ما آن‌ها را در رحمت خود وارد کردیم زیرا آن‌ها از انسان‌های شایسته هستند. ج) و کسانی که غیرخدا را می‌خوانند چیزی را نمی‌آفرینند در حالی که آفریده می‌شوند. **تجیه** حرف «و» پیش از «هم یخلفون» اصطلاحاً واو حالیه گفته می‌شود و معنای آن «در حالی که» است.

د) و زمانی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! قطعاً شما به خودتان ستم کردید. **تجیه** «یا قوم» در اصل «یا قومی» بوده که حرف «ی» آن حذف شده است و به جای آن کسره در «قوم» آمده است: ای قوم من!

۶- الف) ۱ (ب) ۲

**تجزیه** الف) الیوم: مبتدا و مرفوع به ضمه ُ / السادس: صفت و مرفوع به ضمه ُ / الیوم السادس: موصوف و صفت، روز ششم / من آیام الأسبوع: جار و مجرور و مضاف‌الیه، از روزهای هفته / یوم: خبر و مرفوع به ضمه ُ / الخمیس: مضاف‌الیه و مجرور به کسره / یوم الخمیس: ترکیب اضافی، روز پنجشنبه ب) سافرنّا: فعل ماضی و فاعل آن ضمیر بارز «نا»، مسافرت کردیم / إلی قریة: جار و مجرور، به روستایی / لآتینا (ل + أن + نا): زیرا که ما / بحاجیة: جار و مجرور، نیاز داریم / إلی الهدویة: جار و مجرور، به آرامش

۷- الف) ثَقُلْتُ: فعل ماضی معلوم متعدی، منتقل می‌کنند / التافلات: فاعل و مرفوع به ضمه ُ / **تجیه** نفت کش‌ها فراورده‌های نفت را منتقل می‌کنند. ب) یُنْقَلُ: فعل مضارع مجهول، منتقل می‌شود / التفت: نایب فاعل و مرفوع به ضمه ُ / **تجیه** نفت از چاه‌ها به پالایشگاه‌ها منتقل می‌شود.

۸- الف) «السؤال» و «العلم» مضاف‌الیه و مجرور به کسره ِ

ب) العلماء: مضاف‌الیه و مجرور به کسره ِ

**تجیه** الف) خوب سؤال کردن، نصف علم است.

ب) هم‌نشینی با دانشمندان عبادت است.

۹- کلمات معرب: اسم، الله، الرحمن، الرحمن

کلمه مبنی: ید (حرف)

۱۰- الف) کلمات مبنی: هُو (ضمیر)، هذا (اسم اشاره)

ب) کلمات مبنی: ما (اسم استفهام)، من (حرف)

۱۱- الف) ذات الغصون: ترکیب اضافی، الغصون (مضاف‌الیه و مجرور) / الغصون النضرة: ترکیب وصفی / النضرة (صفت و مجرور)

ب) «ی» در «صدیقی» مضاف‌الیه و مجرور و مبنی / جلدی: صفت و مرفوع

۱۲- الف) مفتاح: خبر و مرفوع به ضمه ُ / خیر: مضاف‌الیه و مجرور به کسره ِ

ب) العلم: مبتدا و مرفوع به ضمه ُ / قید: خبر و مرفوع به ضمه ُ

**تجیه** الف) نماز کلید هر نیکی است.

ب) علم شکار و نوشتن بند (آن) است.

۱۳- الف) سنّة (ب) سنّة

**تجزیه** الف) با توجه به این که پس از جای خالی، معبود به صورت جمع و مجرور آمده و مفرد آن مذکر است، «متر» عدد از نظر جنس مخالف آن می‌آید ← سنّة / **تجیه** طول قامت زرافه شش متر است.

ب) با توجه به عدد «عشرین: بیست» معبود مفرد و منصوب می‌آید ← سنّة / **تجیه** کلاغ بیست سال تا سی سال زندگی می‌کند.

۱۴- الف) تعیش: زندگی می‌کند، لازم (ب) لا تتخذوا: نگیرید، متعدی

**تجیه** الف) ماهی‌ها در رودخانه زندگی می‌کنند.

ب) دشمن من و دشمن خودتان را سرپرست نگیرید.

۱۵- الف) الکافر (ب) عمل

ج) القلب (د) خیر

**تجزیه** الف) با توجه به معنای واژه‌های جمله، برای جای خالی به عنوان فاعل واژه «الکافر» درست است / **تجیه** کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم.

ب) با توجه به حرف جر «ب» در جای خالی اسم مجرور می‌آید «عمل» / **تجیه** دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است.

ج) با توجه به اسم پیش از جای خالی که مضاف است، در جای خالی اسم مجرور می‌آید به عنوان مضاف‌الیه «القلب» / **تجیه** تو باید یاد خدا کنی زیرا که آن روشنایی قلب است.

د) با توجه به واژه‌های «أدب» و «المرء» که به ترتیب مبتدا و مضاف‌الیه هستند در جای خالی خبر می‌آید و اعرابش مرفوع است «خیر» / **تجیه** ادب انسان از طلایش بهتر است.

۱۶- الف) یلعن: فعل متعدی / القطن: فاعل و مرفوع به ضمه ُ / جرح: مفعول و منصوب به فتحه َ / یلتئم: فعل لازم / فاعل آن ضمیر «هو» مستتر / **تجیه** گربه زخمش را چند بار می‌لیسد تا این که بهبود بیابد.

ب) هَوّ: مبتدا و مرفوع و مبنی / بمنزلة: جار و مجرور و خبر / **تجیه** آن به مانند جاسوسی از جاسوس‌های جنگل است.

۱۷- الف) دلفین ما را به کجا راهنمایی می‌کند؟ دلفین می‌تواند ما را به مکان سقوط هواپیما یا مکان غرق شدن کشتی راهنمایی کند. (یستطیع أن یرشدنا إلی مکان سقوط طائرة أو مکان غرق سفینة)

ب) دلفین‌ها چه چیزی را کشف می‌کنند؟ آن چه که زیر آب است از شگفتی‌ها و رازها کشف می‌کنند. (تکشف ما تحت الماء من عجائب و أسرار)

ج) دلفین‌ها انسان را در چه چیزی کمک می‌کنند؟ دلفین‌ها انسان را به کشف مکان‌های تجمع ماهی‌ها کمک می‌کنند. (تساعد الانسان علی اكتشاف أماكن تجمع الأسماك)

د) آیا دلفین حیوان احمقی است؟ نه، دلفین حیوان باهوشی است (الدلفین حیوان ذکی)

ه) حروف اصلی فعل‌ها:

یُرشد ← ر ش د  
 یُحب ← ح ب ب  
 تُؤدی ← ء د ی  
 تتکلم ← ک ل م

# درس نامه توپ برای شب امتحان

**اسم اشاره:** اسمی است که برای اشاره کردن به کار می‌رود و دارای دو نوع نزدیک (القرب) و دور (البعید) است.

مفرد	مثنی	جمع	
هذا	هذان - هذین	هؤلاء	← <b>إشارة للقرب</b> (اشاره به نزدیک)
هذه	هاتان - هاتین	هؤلاء	
(این)	(این دو)	(این‌ها)	
ذلك	—	أولئك	← <b>إشارة للبعید</b> (اشاره به دور)
تلك	—	أولئك	
(آن)	—	(آن‌ها)	

## کلمات پرسشی

أ	هل	مَنْ	ما	أين	متى	كيف	كم	لِمَ (لماذا)
آیا	آیا	چه کسی	چه چیزی	کجا	چه زمان	چگونه	چند	چرا
		چه کسانی	چه چیزهایی				چه قدر	

**اعداد:** به دو گروه تقسیم می‌شوند:

1) **اعداد اصلی:** که بیانگر تعداد هستند.

2) **اعداد ترتیبی:** که بیانگر ترتیب و رتبه هستند (که در فارسی با پسوند «م» یا «مین» و در عربی بر وزن «الفاعل» یا «الفاعلة» به کار می‌روند).

اعداد اصلی، یک تا دوازده	
یک: واحد	هفت: سَبْعَة
دو: اثنان	هشت: ثمانية
سه: ثلاثة	نه: تسعة
چهار: أربعة	ده: عشرة
پنج: خمسة	یازده: أحد عشر
شش: ستة	دوازده: اثنا عشر

اعداد ترتیبی، یکم تا دوازدهم	
یکم: الأوَّل / الأوَّلَى	هفتم: السَّابع / السَّابِعَة
دوم: الثاني / الثَّانِيَة	هشتم: الثَّامن / الثَّامِنَة
سوم: الثالث / الثَّالِثَة	نهم: التاسع / الثَّاسِعَة
چهارم: الرابع / الرَّابِعَة	دهم: العاشر / العَاشِرَة
پنجم: الخامس / الخَامِسَة	یازدهم: الحادي عشر / الحَادِيَة عَشْرَة
ششم: السادس / السَّادِسَة	دوازدهم: الثاني عشر / الثَّانِيَة عَشْرَة

## قواعد درس اول: مرور قواعد عربی هفتم، هشتم و نهم

**علامت‌ها:** فتحة َ / كسرة ِ / ضمه ُ / تنوين ً ٍ ٌ

### اسم

**اسم از نظر عدد:** در عربی هر اسمی بیانگر تعداد خاصی است که عبارت‌اند از:

مفرد (یکی)، مثنی (دوتا) و جمع (بیشتر از دوتا)

**نکته 1:** علامت مثنی (ان-ین): هم برای مذکر و هم برای مؤنث استفاده می‌شود.

البته علامت مؤنث (ة-ة) در مثنی تبدیل به «ت» می‌شود؛ مانند:

مدرسة ← مدرستين، مدرستين

**نکته 2:** جمع سالم: جمعی است که برای ساختن آن، باید نشانه جمع (ون-ین-ات) را به انتهای اسم مفرد، اضافه کنیم؛ مانند:

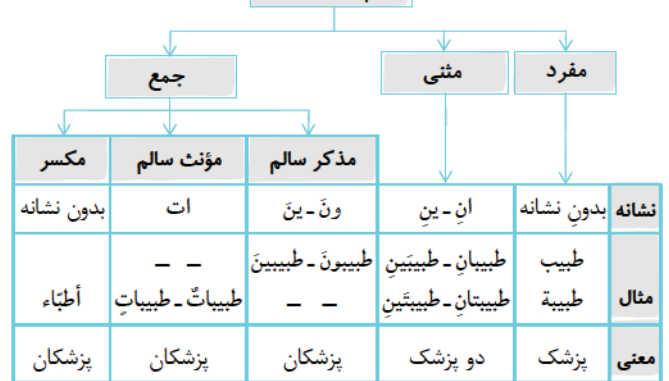
عارف ← عارفون، عارفین / عارفة ← عارفات

**نکته 3:** جمع مکسر: جمعی است که روش و نشانه خاصی ندارد و فقط براساس شنیده‌ها یاد گرفته می‌شود و در آن، شکل و نظم ظاهری اسم مفرد دچار تغییر می‌شود؛ مانند:

عارف ← عُرَفَاء

آیا همه اسم‌های مفرد حتماً دارای جمع مکسر هستند؟ خیر، بعضی از اسم‌ها جمع مکسر ندارند.

### اسم از نظر عدد



**اسم از نظر جنس:** در عربی هر اسمی، یا مذکر محسوب می‌شود و یا مؤنث؛ البته دلیل

مؤنث بودن در بعضی از اسم‌ها داشتن علامت مؤنث (ة-ة) است (مانند: مزرعة) و در

بعضی، داشتن معنای مخصوص مؤنث‌ها (مانند: أم: مادر)

### اسم از نظر جنس



**آشنایی با صیغه (شخص) و صرف فعل‌های ماضی و مضارع:** در فارسی، فعل‌ها و ضمیرها

برای شش شخص (شش حالت) به کار می‌رود. شخص در عربی، «صیغه» نامیده می‌شود.

شخص یا صیغه در فارسی	شخص یا صیغه در عربی	ضمیر پیوسته	فعل ماضی	فعل مضارع	
اول شخص مفرد (من) أنا	متکلم مفرد وحده	ي [م]	فَعَلْتُ (انجام دادم)	أَفْعَلُ (انجام می‌دهم)	
دوم شخص مفرد (تو) أَنْتَ	مخاطب مفرد مذکر	كَ [ت]	فَعَلْتَ (انجام دادی)	تَفْعَلُ (انجام می‌دهی)	
(تو) أَنْتِ	مفرد مؤنث	كَ [ت]	فَعَلْتِ (انجام دادی)	تَفْعَلِينَ (انجام می‌دهی)	
سوم شخص مفرد (او) هُوَ	غائب مفرد مذکر	هـ / هـ [ش]	فَعَلَ (انجام داد)	يَفْعَلُ (انجام می‌دهد)	
(او) هِيَ	مفرد مؤنث	ها [ش]	فَعَلَتْ (انجام داد)	تَفْعَلُ (انجام می‌دهد)	
اول شخص جمع (ما) نَحْنُ	متکلم مع الغیر	نا [مان]	فَعَلْنَا (انجام دادیم)	نَفْعَلُ (انجام می‌دهیم)	
دوم شخص جمع	مخاطب جمع مذکر	كُم [تان]	فَعَلْتُمْ (انجام دادید)	تَفْعَلُونَ (انجام می‌دهید)	
			كُنَّ [تان]	فَعَلْتُنَّ (انجام دادید)	تَفْعَلْنَ (انجام می‌دهید)
			كُما [تان]	فَعَلْتُمَا (انجام دادید)	تَفْعَلَانِ (انجام می‌دهید)
			كُما [تان]	فَعَلْتُمَا (انجام دادید)	تَفْعَلَانِ (انجام می‌دهید)
سوم شخص جمع	غائب جمع مذکر	هُم [شان]	فَعَلُوا (انجام دادند)	يَفْعَلُونَ (انجام می‌دهند)	
			هُنَّ [شان]	فَعَلْنَ (انجام دادند)	يَفْعَلْنَ (انجام می‌دهند)
			هُما [شان]	فَعَلَا (انجام دادند)	يَفْعَلَانِ (انجام می‌دهند)
			هُما [شان]	فَعَلْنَا (انجام دادند)	تَفْعَلَانِ (انجام می‌دهند)

ماضی	دَخَلَ [وارد شد]
ماضی منفی ما + ماضی	مَا دَخَلَ [وارد نشد]
مضارع	يَدْخُلُ [وارد می‌شود]
مضارع منفی لا + مضارع	لَا يَدْخُلُ [وارد نمی‌شود]
مستقبل (آینده) سَ / سَوْفَ + مضارع	سَيَدْخُلُ [وارد خواهد شد] / سَوْفَ يَدْخُلُ [وارد خواهد شد]
نهی لا + مضارع تغییر یافته	لَا تَدْخُلُ [وارد نشو]
امر مضارع تغییر یافته با حذف «ت» و جایگزینی «ا»	ادْخُلُ [وارد شو]

**در ساختن امر و نهی، منظور از «مضارع تغییر یافته» چیست؟**

برای ساختن فعل امر و نهی باید در انتهای فعل مضارع تغییراتی ایجاد کنیم (به این تغییرات، «مجزوم کردن» گفته می‌شود)، که شامل این موارد می‌شود:

۱) اگر در آخر فعل، ضمه (ـُ) داشتیم به سکون (ـِ) تبدیل کنیم؛ مانند:

تَجَلَّسَ ← لَا تَجَلَّسْ

۲) «ن» را از آخر فعل، حذف کنیم به شرط این که قبش یکی از سه حرف (و - ا - ی) باشد؛ مانند:

تَجَلَّسُوا - تَجَلَّسَانِ - تَجَلَّسَا - لَا تَجَلَّسُوا - لَا تَجَلَّسَا - لَا تَجَلَّسِي

۳) در جمع مؤنث، حرف «ن» شرط گفته شده را ندارد، پس «ن» حذف نمی‌شود؛ مانند: تَجَلَّسْنَ ← لَا تَجَلَّسْنَ

**تفاوت «لا» در فعل نهی و نفی چیست؟ (تفاوت لای نهی و نفی)**

با به کار بردن «لا» در نهی باید انتهای فعل را تغییر دهیم (لا تجلس: نشین) ولی با به کار بردن «لا» در نفی، انتهای فعل هیچ تغییری نمی‌کند (لا تجلس: نمی‌نشینی)

بنابراین روش ساختن فعل نهی: لا (لای نهی) + مضارع تغییر یافته

**روش ساختن فعل امر:** فعل امر فقط از صیغه‌های دوم شخص مفرد و جمع (مخاطب) در مضارع ساخته می‌شود؛ البته با انجام سه مرحله:

۱) حذف «ت» از ابتدای فعل مضارع (دوم شخص)

۲) جایگزین کردن «ا» به جای حرف حذف شده «ت»؛ البته به شرط این که حرف بعد از «ت» ساکن باشد (اگر ساکن نبود نیازی به جایگزین کردن «ا» نیست).

علامت «ا» به علامت حرف دوم ریشه بستگی دارد؛ اگر حرف دوم ریشه، ضمه داشت به «ا» ضمه می‌دهیم، اگر فتحه یا کسره داشت فقط کسره می‌دهیم:

ا ← اُ    یا - ← اِ    ا ← اِ

(علامت فتحه (أ - آ) فقط در مورد خاصی از امر به کار می‌رود: درس چهارم باب افعال)

۳) انتهای فعل را به روش گفته شده تغییر می‌دهیم (یعنی مجزوم می‌کنیم)؛ مانند:

تَجَلَّسْ (می‌نشینی) ← امر    اِجْلِسْ (بنشین)

تَجَلَّسِي (می‌نشینی) ← امر    اِجْلِسِي (بنشین)

تَجَلَّسُوا (می‌نشینید) ← امر    اِجْلِسُوا (بنشینید)

تَجَلَّسَانِ (می‌نشینید) ← امر    اِجْلِسَا (بنشینید)

تَجَلَّسْنَ (می‌نشینید) ← امر    اِجْلِسْنَ (بنشینید)

**فعل ماضی استمراری:** هرگاه یکی از فعل‌های خانواده «کان» (كان - كانوا - كانت -

كانتا و ...) کمی قبل تر از یک فعل مضارع بیاید، این دو فعل را در فارسی به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌کنیم؛ مانند:

كان الطلاب يذهبون؛ دانش‌آموزان می‌رفتند.

البنات كانن تكتبان؛ دو دختر، می‌نوشتند.

كانوا يكتبون؛ می‌نوشتند [التمرين الرابع]

**حروف اصلی / وزن:** سه حرف اصلی کلمات را «ریشه» می‌نامیم؛ مانند ریشه «دخ ل»

در «أَدْخَلَ، تَدَاخَلَ، دَخِلَ، مُدَاخَلَةٌ» با جایگزین کردن سه حرف «فَ ع ل» به جای ریشه

کلمات می‌توانیم وزن آن‌ها را به دست آوریم (وزن؛ آهنگ و ریتم کلمه است)؛ مانند:

أُخْرِجُ بِرِ وَزْنِ أَفْعَلٍ / جَمِيلٌ بِرِ وَزْنِ فَعِيلٍ



**تاکید:** در مورد وزن «فاعل» و «مفعول»:

○ وزن «فاعل» بیانگر انجام‌دهنده یا دارندهٔ حالت است؛ مانند: «خالق: آفریننده» و «عالم: دانا»

○ وزن «مفعول» بیانگر «فرد یا چیز انجام‌شده» است؛ مانند: «مخلوق: آفریده‌شده» و «معلوم: دانسته‌شده»

**ترکیب وصفی (موصوف و صفت):** در عربی هرگاه دو اسم پشت سر هم قرار گیرند و هر دو «ال» داشته باشند و یا هر دو بدون «ال» باشند و علامت انتهای هر دو، یکسان باشد، موصوف و صفت به حساب می‌آیند.

<b>مثال:</b> الدُّرُسُ السَّهْلُ	طالِباً	شَجَاعاً
موصوف صفت	موصوف	صفت
[درس آسان]	[دانش آموزی شجاع]	

### ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه)

در عربی هرگاه دو اسم پشت سر هم قرار گیرند و اسم اول، «ال» و تنوین نداشته باشد و اسم دوم «ال» یا تنوین داشته باشد، معمولاً مضاف و مضاف‌الیه به حساب می‌آیند.

<b>مثال:</b> دَرَسَ التَّلْمِيزَ	طالِبَ	مَدْرِسَةَ
مضاف	مضاف	مضاف‌الیه
[درس دانش آموز]	[دانش آموز مدرسه‌ای]	

### ترکیب سه کلمه‌ای (اسم + ضمیر متصل + اسم «ال» دار)

در این نوع ترکیب سه کلمه‌ای، ضمیر را بعد از اسم «ال» دار (کلمه سوم) ترجمه می‌کنیم.

**مثال:** كَتَابُكَ الْمَفِيدُ: کتاب مفید تو

رَبِّي الْعَظِيمُ: پروردگار بزرگ من

### بیان ساعت

در عربی برای بیان ساعت به ترتیب زیر عمل می‌کنیم:

ساعت کامل ← اعداد ترتیبی بر وزن «الفاعلة»

نیم ← «النَّصْفُ»

ربع ← «الرُّبْعُ»

یک ربع مانده به ... ← «إِلَّا رُبْعاً»

**مثال:** ساعت هفت: السَّاعَةُ السَّابِعَةُ

هفت و ربع: السَّابِعَةُ وَالرُّبْعُ

یک ربع مانده به هفت: السَّابِعَةُ إِلَّا رُبْعاً

### یادآوری رنگ‌ها (الألوان)

أَخْضَرَ (سبز) أَحْمَرَ (سرخ) أَزْرَقَ (آبی)

أَصْفَرَ (زرد) أبيض (سفید) أَسْوَدَ (سیاه)

بَنْفَسَجِي (بنفش)

### یادآوری روزهای هفته (أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ)

السَّبْتِ (شنبه) الأَحَدَ (یکشنبه) الإِثْنَيْنِ (دوشنبه)

الثَّلَاثاءِ (سه‌شنبه) الأَرْبَعاءِ (چهارشنبه) الخَمِيسِ (پنجشنبه)

الجُمُعَة (جمعه)

### وعده‌های غذایی

الفطُّور: صبحانه

الغداء: ناهار

العشاء: شام

### کلمات و عبارات مهم درس

#### فعل‌ها

تَمَثَّ:	رشد کرد (مؤنث)	صارت	شد، گردید
تَمَّا:	رشد کرد (مذکر)	يُخْرِجُ:	درمی آورد
إِيْحَتْ:	جست‌وجو کن	أَنْزَلَ:	نازل کرد
أَوْجَدَ:	پدید آورد	جَهَّزَ:	مجهز کرد
زَانَ:	زینت داد	كَمَّلَ:	کامل کن
قُلَّ:	بگو	سَكَّتَ:	شکافت
يَدُرُّ:	می‌چرخد	صَيَّرَ:	گردانید

### سایر کلمات

إِغْبِرَارُ:	تیره‌رنگی، غبارآلودگی	الْقَرْءُ:	انسان
أَنْجُمٌ:	ستارگان	جَذْوَةٌ:	پارهٔ آتش
شَرَزَةٌ:	اخگر (پارهٔ آتش)	حَيْعَةٌ:	دانه
حَضِرَةٌ:	سرسبز	مُسْتَعْرَةٌ:	فروزان
مُفْتَكِرَةٌ:	اندیشمند	بَالِغٌ:	کامل
ذَاكَ:	آن (ذکر)	ذَا:	این (هذا)
ذَاتُ:	دارای	الْعُصُونُ:	شاخه‌ها (جمع عُصْن)
ذُو:	دارای	أَنْعَمٌ:	نعمت‌ها (جمع نعمة)
الْعِيمُ:	ابر	دُزْرُ:	مروریدها (جمع دُر)
مُرَاجَعَةٌ:	دوره‌کردن	مُسْتَعِينًا:	به کمک
النُّصْرَةُ:	تر و تازه	ضِيَاءٌ:	روشنی
الْفُسْتَانُ:	لباس زنانه		

### متن درس

وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ والنُّورِ؛ و تاریکی‌ها و روشنی را قرار داد.  
ذاتِ الْعُصُونِ النَّصْرَةَ؛ دارای شاخه‌های تر و تازه  
فَإِيْحَتْ و قُلَّ مَنْ ذَا الَّذِي؛ جست‌وجو کن و بگو این کیست؟  
من ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا؛ چه کسی آن را پدید آورد؟  
ذَاكَ هُوَ اللهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مُنْهَمِرَةً؛

آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

ذو حِكْمَةٍ بِالْعَقْلِ و قَدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ؛ دارای حکمتی کامل و قدرتی توانمند است.

زَانَهُ بِأَنْجُمٍ؛ آن را با ستارگانی زینت داد.

كَالذُّرْرِ الْمُنْتَشِرَةِ؛ مانند مروریدهای پراکنده

فَصَيَّرَ الأَرْضَ بِهِ بَعْدَ إِغْبِرَارِهِ حَضِرَةً؛

و زمین را پس از تیرگی‌اش سرسبز گردانید.

وَأَنْظَرُ إِلَى الْقَرْءِ و قُلَّ مِنْ شَقِّ فِيهِ بَصَرَهُ؛

به انسان نگاه کن و بگو چه کسی در چهره او بینایی‌اش را شکافت.

من ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَةٍ؛

این کیست که او را به قدرتی اندیشمند مجهز کرده است.

### کلمات حواری (گفت‌وگو)

أحد الموظَّفين: یکی از کارمندان

قاعة المطار: سالن فرودگاه

مع الأسف: متأسفانه

أَنْ أَسَافِرَ: که سفر کنم

التَّعَارُفُ: آشنایی با یکدیگر

### کلمات و عبارات مهم تمارین

﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الآخِرِينَ﴾:

برای من یاد نیکو در میان آیندگان قرار بده.

﴿... لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ [لِمَ = لماذا؛ چرا]:

چرا می‌گویید آن‌چه را که انجام نمی‌دهید؟

«كثرة صلاتهم و صَوْمِهِمْ / صِدْقِ الْحَدِيثِ و أداءِ الأمانة»:

بسیاری نمازشان و روزه‌شان / راستگویی و امانتداری

«إِرْحَمْ مَنْ فِي الأَرْضِ يَرْحِمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ»:

به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند.

أَطْلِبُوا العِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ العِلْمِ فَرِيضَةٌ

دانش را طلب کنید گرچه در چین باشد زیرا طلب دانش، واجب است.